

## باسمه تعالی

۱. جواب چهارم: اختلاف رتبه حکم واقعی و ظاهری ..... ۱
۱. اشکال اول: عدم تأخر و تقدّم در امور اعتباری ..... ۱
۲. اشکال دوم: استحاله اجتماع ضدّین مختلف المرتبه در زمان واحد ..... ۲
۲. جواب پنجم: حکم ظاهری برای حفظ ملاکات واقعی ..... ۲
۲. مقدمه اول: توسعه در محرکیت به واسطه اهمّیت غرض ..... ۲
۳. مقدمه دوم: اقسام تراحم ..... ۳

## موضوع: حجج و امارات / ظن / جمع بین حکم ظاهری و واقعی

## خلاصه مباحث گذشته:

در جلسات قبل سه وجه برای جمع بین حکم واقعی و ظاهری بررسی شده و مورد نقد واقع شد. در این جلسه وجه چهارم بیان می شود.

## جواب چهارم: اختلاف رتبه حکم واقعی و ظاهری

جواب چهارم از مرحوم شیخ نقل شده است. ایشان فرموده در صورتی بین حرمت و اباحه، و یا وجوب و ترخیص تضادّ وجود دارد که در یک رتبه باشند. به عنوان مثال فرض شود شرب این اناء بر زید حرمت فعلی داشته، و به سبب مشکوک بودن حرمت برای زید نیز اباحه ظاهری دارد. در این صورت اباحه دو رتبه متأخّر از حرمت است؛ زیرا حرمت به «شرب این اناء» تعلّق گرفته، اما متعلّق اباحه شرب این اناء نیست بلکه اباحه به «شک» در «حرمت» متعلّق به «شرب این اناء» تعلّق گرفته است. پس دو واسطه «شک» و «حرمت» بین موضوع حرمت و موضوع اباحه وجود دارد.

بنابراین تضادّی بین حرمت و اباحه وجود نداشته، و حرمت واقعی و اباحه ظاهری در دو رتبه متفاوت وجود دارند<sup>۱</sup>.

## اشکال اول: عدم تأخر و تقدّم در امور اعتباری

۱. حاشیه المشکینی علی کفایة الاصول، ج ۳، ص ۱۸۳: «و تقریبه علی ما فی ظاهر العبارة أنّ الحكم الظاهری متأخّر عن الواقعی بمرتبتین، لکونه متأخراً عن الشکّ فی الحكم الواقعی المتأخّر عنه، كما أنّ موضوعه متأخّر عن موضوعه بمرتبتین، و حیث لا یشمل الحكم الظاهری جمیع مراتب الحكم الواقعی، و هی حال العلم بالحکم الواقعی، و حال الشکّ فیّه، بل هو مختصّ بالحالة الثانية فقط».

حکم ظاهری در بیان ایشان دو مرتبه متأخر از حکم واقعی است، در حالیکه تأخر و تقدّم در امور تکوینی وجود دارد و در امور اعتباری تأخر و تقدّمی نیست. در حقیقت حرمت و اباحه (احکام تکلیفی) سه نظر وجود دارد:

الف. امر اعتباری: احکام تکلیفی فعلی در مدرسه مرحوم میرزای نائینی از امور اعتباری هستند؛

ب. امر وهمی: در نظر شهید صدر، احکام تکلیفی فعلی از امور وهمی هستند؛

ج. امر واقعی: در نظر مختار نیز احکام تکلیفی فعلی از امور واقعی هستند.

بنابراین احکام تکلیفی در هیچ نظری از امور حقیقی نبوده و اختلاف مرتبه در آنها وجود ندارد، خصوصاً در مسلک مشهور که احکام تکلیفی از امور اعتباری هستند، تقدّم و تأخری نیست.

### اشکال دوم: استحاله اجتماع ضدّین مختلف المرتبه در زمان واحد

اشکال دوم این است که حتی اگر اختلاف مرتبه بین حکم واقعی و ظاهری نیز قبول شود، اما اجتماع متضادّین در زمان واحد محال است هرچند مراتب آنها متفاوت باشد. یعنی حتی دو ضدّ در دو مرتبه متفاوت نیز در یک زمان جمع نمی‌شوند. معیار برای استحاله اجتماع ضدّین و نقیضین، زمان است. یعنی محال است یک جسم در یک زمان هم معروض بیاض و هم معروض سواد باشد (در هشت شرطی که برای استحاله تناقض گفته شده، وحدت رتبه وجود ندارد).

### جواب پنجم: حکم ظاهری برای حفظ ملاکات واقعیّه

مرحوم شهید صدر جوابی از تناقض بین حکم واقعی و ظاهری بیان نموده که در ضمن سه مقدمه آن را بیان نموده است:

### مقدمه اول: توسعه در محرّکیت به واسطه اهمّیت غرض

مقدمه اول اینکه گاهی غرض از انجام یک فعل (اعمّ از غرض تکوینی که محرّک انجام کار است، و غرض تشریعی که محرّک دستور دادن است)، بسیار مهمّ شده طوری که اگر موارد مشتبه شوند نیز رضایتی به فوت غرض نیست. به عنوان مثال فرض شود غرض به اکرام زید تعلّق گرفته، و زید مشتبه بین دو نفر می‌باشد. اگر غرض از اکرام زید مهمّ باشد، هر دو نفر اکرام خواهند شد هرچند زید مشتبه بوده و غرض فقط به اکرام زید تعلّق گرفته است. گاهی اطراف موارد بیشتر شده و به عنوان مثال زید مشتبه بین ده نفر می‌شود. در این صورت نیز ممکن است غرض بسیار مهمّ بوده و محرّک برای اکرام ده نفر شود. در این موارد اگر غرض مولایی به اکرام زید تعلّق گرفته باشد نیز ممکن است غرض وی مهمّ بوده و امر به اکرام همه نماید. اگر غرض مهمّ نباشد، و یا اطراف بسیار زیاد باشند که غرض به آن اندازه مهمّ نباشد مثلاً زید مشتبه بین صد نفر باشد، در این صورت شاید محرّک برای اکرام آنها یا امر به اکرام آنها نباشد.

پس مقدمه اول این است که اگر موردِ غرض مشکوک بوده و غرض بسیار مهمّ باشد، تحریک نسبت به تمام اطراف محقق می‌شود؛ و اگر غرض مهمّ نباشد، تحریکی نسبت به اطراف نخواهد بود. به عنوان مثال صد هزار لیوان هست که یکی سمّ است، غرض حفظ جان آنقدر مهمّ است که هیچیک شرب نمی‌شود.<sup>۱</sup>

### مقدمه دوم: اقسام تراحم

مقدمه دوم اینکه تراحم در احکام سه قسم است:

الف. تراحم ملاکی: تراحم ملاکی در جایی است که یک فعل واحد دارای ملاک محبوبیت و ملاک مبغوضیت، و دارای مصلحت و مفسده باشد. به عنوان مثال دارویی وجود دارد که برای بیماری قند مفید، و برای بیماری فشار خون مضرّ است. مثال دیگر اینکه یک فعل عبد از حیثی برای مولی محبوب بوده، و از حیث دیگر مبغوض باشد. در این موارد که تراحم ملاکی محقق می‌شود، موالی کسر و انکسار می‌کنند که کدام ملاک اهمّ است.

ب. تراحم امتثالی: تراحم امتثالی در جایی است که دو موضوع مستقلّ دارای ملاک وجود دارد که عبد در مقام امتثال قدرت بر اتیان هر دو را ندارد. به عنوان مثال در ضیق وقت نماز مصلحت داشته و انقاز نیز مصلحت دارد که عبد قدرت بر اتیان هر دو با هم را ندارد.

۱. بحوث فی علم الاصول، ج ۴، ص ۲۰۱: «المقدمة الاولى ان الغرض سواء كان تكوينياً أو تشريعياً إذا أصبح مودعه معرضاً للاشتباه و التردد فان كان بدرجة بالغة من الأهمية بحيث لا يرضى صاحبه بتفويته فسوف تتوسع دائرة محركته فتكون أوسع من متعلق الغرض الواقعي، فمثلاً لو تعلق غرض تكويني بإكرام زيد و تردد بين عشرة و كان الغرض بمرتبة لا يرضى صاحبه بفواته فلا محالة سوف يتحرك في دائرة أوسع فيكرم العشرة جميعاً لكي يحرز بلوغ غرضه، و هذه التوسعة أمر وجداني لا ينبغي النزاع فيه و هي توسعة في المحركة و فاعلية الغرض و الإرادة لا في نفسهما بل الغرض و الحب و الإرادة باقية على موضوعها الواقعي و هو إكرام زيد لا غيره إذ لا غرض نفسي في إكرام غيره ليتعلق شوق أو إرادة به و لا هو مقدمة لوجود المراد و هو إكرام زيد لتتعلق الإرادة الغيرية به. و مرجع ذلك إلى ان نفس احتمال الانطباق منشأً لمحركة الإرادة المتعلقة بالمطلوب الواقعي كالقطع به لشدة أهميته و نفس الشيء صادق في حق الغرض التشريعي الذي يكون صاحب الغرض و هو المولى و متعلق غرضه فعل مأموه فانه إذا كان غرضه بدرجة عالية من الأهمية بحيث لا يرضى بفواته حتى مع التردد و الاشتباه فسوف يوسع دائرة محركية غرضه من دون أن تتوسع دائرة نفس الغرض بمبادئه و تكون توسعة دائرة المحركة هنا بمعنى جعل الخطابات تحفظ الغرض الواقعي بأى لسان كان من الألسنة، فان ذلك لا يغير من جوهرها شيئاً فان روحها عبارة عن خطابات تبرز بها شدة اهتمام المولى بغرضه الواقعي بدرجة لا يرضى بفواته مع التردد و الاشتباه. و بهذا يكون منجزاً على العبد عقلاً و رافعاً لموضوع البراءة و التأمين العقلي على القول به لأنه مشروط كما تقدم سابقاً بعدم إحراز أهمية غرض المولى بالنحو المذكور. و هذا يعنى ان الخطاب الموسع الذي هو الخطاب الظاهري ليس على طبقه غرض في متعلقه و لكنه مع هذا ليس بمعنى ان المصلحة في نفس جعله كما تقدم في بعض الوجوه السابقة بل هذه الخطابات خطابات جدية و تحركات مولوية حقيقة يراد بها التحفظ على الغرض الواقعي المهم في نظر المولى و لهذا تكون رافعة لقاعدة البراءة العقلية على القول بها، و هذا بخلاف التصوير المشار إليه حيث قلنا ان مثله لا يكون منجزاً عقلاً، لأن التنجيز لا يكون بأكثر من تنزيل العبد نفسه منزلة جارية للمولى فإذا كان على هذا التقدير هناك تحرك من قبل المولى كان هناك تنجز و تحرك من قبل العبد و إلّا فلا، و في التصوير المذكور لا تحرك منه لأن المفروض تحقق الغرض بنفس جعل الخطاب بخلافه على هذا التصوير فأنه قد أشرنا إلى كيفية توسع دائرة المحركة التكوينية في موارد الاشتباه و التردد».

ج. تزامم حفظی: تزامم حفظی در جایی است که ملاکات احکام و تکالیف بر عبد و یا مولی مشتبه شود. به عنوان مثال «اکرام زید» مصلحت داشته و محبوب مولی است، و «اکرام عمرو» مفسده داشته و مبغوض مولی است. در این صورت اگر زید و عمرو مشتبه شوند (برای مولی یا فقط برای عبد)، مولی نمی تواند هر دو ملاک را حفظ نماید. این تزامم حفظی بوده، و دو موضوع وجود دارد پس تزامم ملاکی نیست؛ و عبد قدرت بر امتثال هر دو را دارد پس تزامم امتثالی نیست. مولی فقط می تواند امر به اکرام هر دو نماید تا ملاک وجوب حفظ شود؛ و می تواند نهی از اکرام هر دو نماید تا ملاک حرمت حفظ شود. مثال دیگر اینکه مولایی به عبدش می گوید انسان مشتبه بین «زید» و «عمرو» را اکرام کن، زیرا در نظر وی ملاک وجوب اهم است؛ و یا بگوید شخص مشتبه بین زید و عمرو را اکرام نکن، زیرا در نظر وی ملاک حرمت اهم است.<sup>۲</sup>

۱. بحوث فی علم الاصول، ج ۴، ص ۲۰۳: «المقدمة الثانية ان التزام بين حكيمين على ثلاثة أقسام: ۱- التزام الملاكي و هو فيما إذا افترض وجود ملاكين في موضوع واحد أحدهما يقتضي محبوبيته و الآخر يقتضي ما ينافيها و يضادها كالمبغوضية مثلاً فيقع التزام الملاكي بمعنى انه يستحيل أن يؤثر كل منهما في مقتضاها لكان التضاد بينهما و من خصائص هذا التزام انه لا يكون إلّا في موضوع واحد و إلّا لم يكن هناك اجتماع الضدين فلو كان كل من الملاكين في موضوع أو حيثية تقيدية غير موضوع الآخر فلا محذور في تأثيرهما معاً في إيجاد الحبّ و البغض. و كذلك من أحكام هذا التزام تأثير أقوى المقتضيين بعد الكسر و الانكسار في إيجاد مقتضاه و حينئذ يكون مقتضاه فعلياً و مقتضى الآخر ساقطاً مطلقاً. ۲- التزام الامتثالي و هو ما إذا كان الملاكان في موضوعين و فعلين إلا انه للتضاد بينهما لا يمكن الجمع بينهما في مقام الامتثال فهذا التزام انما هو في مرحلة الامتثال الناشئ من ضيق القدرة على الجمع و القدرة تكون دخيلة في التحريك و الأمر و لا يشترط وجودها في المحبوب أو المبغوض و من هنا تكون مبادئ الحكم من الحب و البغض فعلية في موارد هذا السنخ من التزام ما لم يفرض دخل القدرة في الملاک و الغرض نفسه. ۳- التزام الحفظي و ذلك فيما إذا فرض عدم التزام الملاكي لتعدد الموضوع و عدم التزام الامتثالي لإمكان الجمع بين مصب الغرضين و الفعلين المطلوبين واقعاً و انما التزام في مقام الحفظ التشريعي من قبل المولى عند الاشتباه و اختلاط موارد أغراضه الإلزامية و الترخيصية أو الوجوبية و التحريمية فإن الغرض المولى يقتضى الحفظ المولى له في موارد التردد و الاشتباه بتوسيع دائرة المحركة بنحو يحفظ فيه تحقق ذلك الغرض فإذا فرض وجود غرض آخر في تلك الموارد فلا محالة يقع التزام بين الغرضين و المطلوبين الواقعيين في مقام الحفظ حيث لا يمكن توسعة دائرة المحركة بلحاظهما معاً فلا محالة يختار المولى أهمهما في هذا المقام. و من هنا يعرف أن هذا التزام بين الغرضين و الملاكين ليس بلحاظ تأثيرهما في إيجاد الحب و البغض لأنهما متعلقان بموضوعين واقعيين متعددين و لا بلحاظ تأثيرهما في الإلزام الواقعي بهما بقطع النظر عن حالة الاشتباه و التردد لأنهما بوجوديهما الواقعيين مما يمكن الجمع بينهما بل بلحاظ تأثيرهما في توسيع دائرة المحركة من قبل المولى و حفظه التشريعي لكل منهما بالنحو المناسب له».